

شخصیت شناسی ویژگی های حضرت علی (ع) در شناسایی معیارهای مناسب برای تصدی حاکمیت اسلامی از دیدگاه ملا محمد حسن هردنگی

کمال غوث^۱، حمیده جلیلی^۲

^۱ کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی (نویسنده مسئول)

^۲ دکتری مدیریت منابع انسانی، مدرس و عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

چکیده

ویژگی های حاکم و شخصی که شرایط لازم برای هدایت مسلمانان را داشته باشد از مهم ترین مسأله در حکومت دینی می باشد. با تفحص و تعمق در سیره عملی و نظری پیامبر و ائمه اطهار چنین برداشت می شود که مهم ترین عامل رشد و توسعه همه جانبه و تأمین امنیت و رفاه یک جامعه در نقش حاکم و زمامداران آن تلقی می نمایند. این موارد در اثبات امامت بلا فصل خلافت حضرت علی (ع) در کتاب تاملات کلامیه ملا محمد حسن هردنگی از مشاهیر علمای خراسان (۱۲۶۳-۱۳۲۷ ه ق) بصورتی سلیس و محققانه بکار گرفته شده است. بدین صورت که وی حاکم را نمونه کامل یک مسلمان و انسان پیرو پیامبر و ائمه تلقی نموده که بهترین مصداق آن را معصوم می داند. در زمان غیبت و یا عدم حضور معصوم فردی را لایق چنین مقامی می داند که بیش ترین ویژگی معصوم در او متبلور باشد. در این نوشتار، سعی شده است که ویژگی های کلیدی و اصلی یک حاکم از دیدگاه ملا محمد حسن هردنگی بررسی و مطرح گردد.

واژه های کلیدی: هردنگی، تاملات کلامیه، معیار، حاکم اسلامی، حضرت علی (ع).

مقدمه :

بعد از رحلت رسول مکرم اسلام (ص) مسلمانان به دو گروه سیاسی و مذهبی تقسیم شدند. گروهی گفتند: پیامبر (ص) برای خود فرد خاصی را به عنوان جانشین و رهبر آتی مسلمانان تعیین نکرد بلکه این امر را به مردم وا گذاشت و مردم با ابوبکر بیعت کردند بنابراین او خلیفه بلا فصل پیامبر اسلام (ص) است. در برابر این عده عده ای می گفتند: رسول خدا (ص) در مواردی چند مانند واقعه غدیر خم علی بن ابی طالب را به عنوان جانشین خود به مردم معرفی کرد. او خلیفه بلا فصل رسول خدا (ص) و امام مسلمانان است. مسلمانان برای ساختار نظام سیاسی دو تئوری را ارائه داده اند که ما در این مقاله تنها به بیان معیارها و ویژگی های حاکم اسلامی بر اساس اثبات خلافت امام علی (ع) از دیدگاه ملا محمد حسن هردنگی از اعظم علمای خراسان اکتفا می نماییم. ویژگی های حاکم، مهم ترین مسأله در حکومت دینی، از دیدگاه وی می باشد. با تفحص و تعمق در سیره عملی و نظری ایشان چنین برداشت می شود که مهم ترین عامل رشد و توسعه همه جانبه و تأمین امنیت و رفاه یک جامعه را ایشان، در نقش حاکم و زمامداران آن تلقی می نمایند. بدین صورت که حاکم را نمونه کامل یک مسلمان و انسان تلقی نموده که بهترین مصداق آن را معصوم می داند. در زمان غیبت و یا عدم حضور معصوم فردی را لایق چنین مقامی می داند که بیش ترین ویژگی معصوم، در او متبلور باشد.

ملا محمد حسن هردنگی :

محمد حسن بن محمد رفیع بن حاجی علی بن کربلایی حسن قیس آبادی فقیه، عارف، حکیم و متکلم مشهور قهستانی که شخصیت علمی آن مرحوم بر احدی از دانشمندان منطقه خراسان پوشیده نبوده و فضلاء وقت از محضر درس وی تلمذ و با عنوان برجسته ترین شخصیت های علمی او را معرفی می نموده اند (راشد، ۱۳۴۲ و غوث، ۱۳۹۱ و ناصری، ۱۳۹۹). او در سال ۱۲۶۳ هجری قمری (راشد، ۱۳۳۶) در قریه مبادی از توابع هردنگ قیس آباد متولد شد و در ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۷ قمری پس از یک عمر زندگی شرافتمندانه به رحمت ایزدی پیوست و آرامگاهش هم اکنون در قبرستان عمومی دهکده مزبور بر فراز تلی باقیست (عباسلو و همکاران، ۱۳۹۲). اولین مربیان او حاجی ملا علی جدش و پدرش ملا محمد رفیع می باشند. پدرش مردی دانشمند و از مجتهدین قهستان بوده و در زادگاه خود که همان روستای مبادی می باشد به ارشاد محصلین علوم دینی اشتغال داشته و آخوند مقدمات صرف و نحو و قسمتی از فقه و اصول را نزد ایشان خوانده است (علیزاده بیرجندی و همکاران، ۱۳۹۲). وی مدتی بعد نزد علمای مشهور مشهد (ناصری، ۱۳۹۹) همچون آیت ا... محمد رحیم بروجردی و علامه یزدی مدتها تلمذ کرد و به کسب اجازه اجتهاد از آنها نائل آمد و سرانجام ختم تلمذ وی به عالم عامل و فقیه کامل، آقا سید ابوطالب حسینی مجتهد قایینی از مراجع عظام در خراسان گردید (راشد، ۱۳۳۶ و ناصری، ۱۳۸۸). تخصص آن مرحوم در فقه و اصول و دارای مرتبه اجتهاد بوده و در صرف و نحو عربی، لغت، معانی بیان، بدیع، عروض، منطق، تفسیر، کلام، حدیث، رجال و درایه نیز استاد بوده است، علاوه بر اینها در فلسفه، حساب، جبر، مقابله، هندسه و هیات قدیم دست داشته و تدریس می نموده است. او بر اساس اسناد موجود مدت ۴۲ سال به عنوان حاکم شرع یکی از بلوکهای ۹ گانه قهستان، مدت ۸ سال حاکم شرع و بر اساس دو حکم موجود از حضرت آیت ا... العظمی سید اسماعیل صدر الموسوی و اجازه آقا سید ابوطالب حسینی مجتهد قایینی، از سال ۱۲۸۶ قمری تا زمان فوتش، دارای نوعی نظارت بر مسایل شرعی قایینات بوده است (راشد، ۱۳۹۲ و علیزاده، ۱۳۹۱). در سال ۱۲۸۵ قمری تحصیلش تمام شده و اجازه اجتهادی را از آقا سید ابوطالب دریافت می کند. او در هنگام اقامت در بیرجند و قاین نیز جلسات درسی داشته و بعد از فوت استادش در سال ۱۲۹۳ قمری تا زمان رحلتش به مدت ۳۴ سال پس از آن مرحوم در شهر

بیرجند و قاین به امر تدریس اشتغال ورزید و عده ای از افاضل قاینات که خود مجتهد بوده از محضرش که حوزه های متعدد درسی داشته است، استفاده می نموده و غالباً از شاگردان مرحوم آخوند بوده اند(راشد، ۱۳۴۲ و غوث، ۱۳۹۷). قدرت بیان او ضرب المثل و استادی وی در علم کلام باعث شد تا بنا به درخواست علمای وقت، رساله اعتقادات آقا سید ابوطالب قاینی توسط آخوند در زمان حیات آقا سید ابوطالب و با اجازه ایشان، به رشته تحریر در آمده و تشریح شود. هردنگی کسی بود که در تقوی و تهذیب نفس موصوف و در سرآمدی علم در بین علماء معروف بود، آنچنانکه آیت ا. سید اسماعیل صدر نیز وی را علامه عامل مذهب کامل و صدر علماء عامل می نامد(ناصری، ۱۳۸۸ و ولوی، ۱۳۹۶). در اواخر عمر با همه بزرگی و احترامی که در بین خواص و عوام داشت امکان خریداری حیوانی همچون الاغ نیز برای وی مهیا نبوده است که این نشان از زهد فراوان و ساده زیستی وی داشت(غوث، ۱۳۹۷ و جلیلی و غوث، ۱۳۹۹).

شهرت اصلی آخوند به چند دلیل بوده است :

- مناظره وی با آقا سید مرتضی یزدی مشهور به شیخ مرتضی که از فحول علمای آن زمان حوزه علمیه مشهد بوده در حضور علماء و امراء قهستان که با تیزبینی خاصی برخی از نظرات خود در فقه و کلام را بر او اثبات و برخی از نظرات وی در فقه و کلام را رد و وی را مجاب می کند (راشد، ۱۳۳۶ و جلیلی و غوث، ۱۳۹۸)(شیخ محمد باقر گزاری از شیخ مرتضی به عنوان علامه و یکی از اساتید خود در مشهد یاد می کند).
- محاوره وی با قاضی القضاات هرات و مفتی این شهر مشهور به شمس الدین فاضل هروی در روز عید غدیر در شهر هرات در حدود سال ۱۲۸۶ قمری که موضوع جانشینی حضرت علی(ع) بعد از پیامبر را اثبات و وی را در حضور علمای حاضر مجاب می نماید(جلیلی و همکاران، ۱۳۹۹ و غوث، ۱۳۹۷).
- نفوذ شرعی و سیاسی وی در قاینات در بین خواص و عوام و تدریس وی در حوزه های علمیه بیرجند و قاینات
- اینکه هر چند اقامت نامبرده در هردنگ بوده ولی بدلیل تسلطش بر علوم مختلف حوزوی همیشه برای شرکت در مجالس بحث از او دعوت می شده است و در یکی از همین محافل بوده که با ملا ابراهیم گزیکلی و ملا محمد عثمان که علمای بیرجند را در مقابل خود عاجز نموده بودند مجاب و عقایدشان را که بر پایه صحیح استوار نبوده رد کرده است
- احیاء کننده موقوفات و توصیه به احداث بقاع متبرکه ای چون مزار سیدناالحسین عریخانه و مدرسه شوکتیه بیرجند در قاینات
- وقف بیش از ۵ ملک بر عزاداری، تحصیل مردم و....
- رسیدگی به امورات مالیاتی و وقفیات قاینات به تعداد ۱۰۰۰ مورد بر اساس اسناد موجود

تأملات کلامیه :

تأملات کلامیه ملا محمد حسن هردنگی از آثار ارزشمند کلامی دوره قاجاریه است که در آن به تمام مباحث کلامی مورد نیاز مسلمانان، پرداخته شده است (ناصری، ۱۳۸۸). نگارش کلام بر اساس پایه های عرفانی بوده که از این منظر کاری جدیدی در کلام اسلامی است. بررسی کتاب نشان می دهد که وی بر منابع تاریخی، فلسفی، عرفانی و کلامی عامه و خاصه تسلط کامل داشته و در تمام مباحث بیان شده از آنها بهره برده است. بکارگیری تاریخ در اثبات امامت به همراه استنادات فراوان به احادیث، روایات و آیات قرآن از ویژگیهای این اثر است که آنرا با سایر آثار متکلمین تا آن زمان متمایز می کند. این اثر با آثار کلامی بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، گوهر مراد علامه لاهیجی و کشف المراد علامه حلی و دیگر بزرگان کلام برابری کرده و در مواردی دارای تفاوتهای سبکی با آنهاست که اساس این تفاوت در تسلط کامل نویسنده بر عرفان و استفاده از آن در مسائل کلامی است که به کمک احادیث و روایات جنبه لطیف و ادبی پیدا کرده است (ناصری، ۱۳۸۸ و ولوی، ۱۳۹۶). یکی از فصول این کتاب در اثبات امامت حضرت علی (ع) بوده که نویسنده با تبحر خاص خودش با بهره گیری فراوان از منابع تاریخی و کتب برادران به اثبات این موضوع پرداخته که این موضوع نیز برای اولین بار در تاریخ کلام اسلامی در این اثر آمده، درحالیکه در سایر آثار کلامی جنبه بهره جویی از تاریخ ضعیف یا بکار نیامده است. (ناصری، ۱۳۸۸ و ولوی، ۱۳۹۶).

گرچه با تعمق در مطالب این کتاب شاید دهها ویژگی کوچک و بزرگ به طور صریح و ضمنی برای حاکم و زمامداران مطرح شده باشد، ولی در چنین بحث کوتاه و فشرده، مجال پرداختن به تمام آن ها نبوده است و تلاش گردیده به مهم ترین آنها پرداخته و ویژگیهای جنبی تا حدودی در ذیل آن ها مطرح گردد. ویژگی های اصلی حاکم از دیدگاه ملا محمد حسن هردنگی در ۲۴ مبحث تقسیم شده که به شرح ذیل می باشد :

۱- داشتن علم به آداب نظام دنیا و نظام دین :

وی این موضوع را در تعریف امامت که مورد قبول هم تشیع و هم تسنن است بیان می دارد و می گوید : به اتفاق تعریف کرده- اند امامت را که ریاست عامه است در امور دین و دنیا به حق خلافت از نبی صلی الله علیه و آله و سلم. بعضی شرایط به طریق التزام عقلی قطعی برمی آید که یکی از آنها علم به آداب نظام دنیا و علم به آداب نظام دین باشد. پس باید آنچه موقوف علیه نظام دین است، امام عارف باشد، نه اینکه به دیگران از صحابه رسول صلی الله علیه و آله (تفتازانی، ۱۴۰۹ ق). دیگر از شرایطی که از نفس این تعریف فهمیده می شود این است که باید خطا در نظام دین و دنیا از او صادر نشود. این معنی حاصل نمی شود بدون ملکه عدالت بلکه عصمت. چه، غیر عادل خطاکار است، و چون خطاکار شد نظام را مختل می کند نه پابرجا. تعجب است از برادران که به همین طور تعریف کرده اند امامت را، و ملتفت به لوازم نشده اند.

۲- حاکم اسلامی باید بداند که پیشوایی و خلافت به میراث نمی باشد :

وی این موضوع را جایی بیان می کند که به رفع شبهه ای پاسخ می دهد بدین مضمون که برخی عموی پیامبر جناب عباس بن عبدالمطلب را شایسته جانشینی دانسته و این جایگاه را مربوط به حضرت علی (ع) نمی دانستند (قتیه الدینوری، ۱۴۱۰ ق) و در مثل می گوید جماعتی را اعتقاد این است که خلافت به میراث است و از این جهت عباس بن عبدالمطلب که عم حضرت رسول بود را خلیفه می دانند. فساد این اعتقاد ظاهر است؛ چه مناط و ملاک و معیار در خلافت الهی که مقام نبوت، که اصل

خلافت است، علم و دانش و انصاف، ملکه عصمت و تأیید به روح القدس است؛ و خلافت نبی هم خلافت خداست به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. پس باید همین ملاک و معیار در آن باشد. مثل ارث مال نیست شک نیست که عباس رضی- الله عنه دارای این مقام نبود...

۳- انتخاب خلیفه و حاکم اسلامی با اجماع نمی باشد :

وی این موضوع را در پاسخ به شبهه ای از برادران بیان می کند که مدعی هستند دلیل انتخاب جناب صدیق اجماع است (هردنگی) و می گوید شک نیست که نص ارجح است زیرا که خدا و رسول اعرافاند به محل قابل خلافت. به همین سبب است که در امم سابقه نیز هیچ کس قائل نشده که تعیین خلیفه را به اجماع کرده باشند، و تعیین به اجماع و بیعت مرجوح است. زیرا که جعل خلیفه به جهت حفظ نظام و رفع فساد است و واگذاشتن به اختیار مردم باعث اشاعه فتنه و اعلاء فساد است. علاوه که هرگاه نصب امام به اختیار رعیت شد عزل او نیز به اختیار ایشان خواهد بود، که عزل یکی لازم دارد نصب دیگری را. پس باید امام سیخکی مردم باشد، به اصطلاح ولایت ما. چنین امامی نمی تواند امر و نهی و حکمرانی کند که یک رعیت بی سر و پایی بگوید من تو را عزل کردم. چنانچه ابوموسی اشعری به فریب عمر و عاص علی علیه السلام را عزل کرد.

۴- اعظم امور معتبره در حاکم اسلامی داشتن کمالاتی از فضل، علم، دانش، طهارت مولد، نجابت، شرافت آبا و معروفیت به تقوی می باشد و حاکم اسلامی باید افضل از رعیت باشد :

در این باره در دفاع از خلیفه بودن حضرت علی می گوید : باید خلیفه افضل از رعیت هم باشد عقلاً؛ از جهت قبح امر کردن عالم به اطاعت جاهل؛ و قبح تقدیم مفضول بر فاضل؛ لکنه ظُلماً و اضلالاً؛ ممتنع است که هرکس احاطه به کمالات کسی که فوق او است نماید و به اندازه مقام فضل و کمال او برخورد، و الا لازم آید که آنچه را فوق در کمال فرض کردیم فوق نباشد، و آنکه را فاضل فرض کردیم مفضول باشد. چون این دو امر که عصمت و افضلیت از رعیت باشد معتبر شد، لازم آمد که تعیین خلیفه با خدا و رسول باشد؛ چه، برخوردگی به این دو صفت کسی را ممکن نیست، و محال است که رعیت را از ادراک این دو صفت به نحوی که مناط صحت خلافت است بهره باشد مگر به تأیید الهی، و خرق عادت.

و اما تفصیلاً، معتبر است در امام اینکه افضل از رعیت و اهل زمان خود باشد، زیرا که اگر افضل نباشد، یا مساوی خواهد با رعیت، یا ادون؛ اگر ادون باشد، لازم می آید ترجیح مرجوح بر راجح و این بالبداهه باطل است و اگر مساوی باشد لازم می آید ترجیح بلا مرجح، چه احد للمساویین را بر دیگری ترجیح دادن مستلزم مفسده مزبوره است. ترجیح بلا مرجح باطل است. هر چند اشاعره جایز می دانند. زیرا که مستلزم است ترجیح بلا مرجح، ترجیح بلامرجح را که اشاعره نیز در بطلان آن با ما موافقند.

۵- انتخاب حاکم اسلامی نباید بر اساس ریش سفیدی و بزرگسالی باشد :

چه اینکه ریش سفیدان فراوانی که عمری در بت پرستی بودند و چه ریش سیاهانی مانند حضرت علی که از طفولیت اسلام آورد و می گوید باری ملاحظه کرده است که مسلمان ریش سفید و مسلمان ریش سیاه، سن اول بیشتر است، پس باید عمل او بیشتر باشد هرچند در خواب باشد، ولی غافل از اینکه ریش سیاه با عمل خداپسند از زمان طفولیت که خود معترفند که علی

علیه السلام در طفولیت اسلام آورد، باید بیشتر باشد ثوابش از ریشی که در بت پرستی سفید شود، و در آن آخر کلمه اسلام به زبان جاری کند.

۶- حاکم اسلامی حصار دین و نظام مسلمین است :

وی در خصوص حقانیت امامت حضرت علی می گوید که در کدام از مرحله از دین چه سنی و چه شیعه نقل کرده اند که علی مسیر را خارج از اسلام رفت ولی در خصوص هر ۳ خلیفه دیگر از این موارد زیاد است. حاکم باید مردم را به سمت خدا با حکمت و موعظه حسنه و مخالفین نظام اسلامی را با شجاعت از دین خدا دفع کند. امامت یا جانشینی بر امام اصل اسلام است که نمو می کند، فرع و شاخ بلند اسلام است. امام دعوت می کند به سوی خدا به حکمت و موعظه حسنه، و دفع می کند مخالفین را از دین خدا. امام مثل آفتاب تابان است که به نور آن عالم روشن می شود نه آنکه با ایجاد مواردی شبه ناک مسیر دین را تغییر یا در آن بدعت کند.

۷- حاکم اسلامی شخصی است که بر پا میدارد نماز را و می دهد زکات و صدقه حتی اگر در رکوع باشد :

وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که عده ای در رد حضرت علی بیان داشتند که چگونه ممکن است شخصی در نماز باشد و صدقه بدهد و آخوند هردنگی به استناد آیه ولایت این موضوع را پاسخ می دهد (بیضاوی، ۱۴۰۳ق و نیشابوری، ۱۴۱۶ق). از ادله داله برخلافت بلا فصل علی علیه السلام آیه شریفه: « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ » یعنی این است و غیر از این نیست که اولی به تصرف در امور شما، خدا و رسول او است و کسانی که ایمان آورده اند.

۸- حاکم اسلامی نباید مشهور به فسق، فجور و نابکاری باشد :

وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که فساد مالی جناب عثمان به حدی رسیده بود که دیگر تحملش برای خیلی از مومنین قابل تحمل نبود (بیهقی، ۱۴۱۹ق)

۹- حاکم اسلامی باید از صادقین بوده و کذاب نباشد :

حاکم باید با صراحت و صداقت با مردم برخورد نماید و آخوند هردنگی این ویژگی را جز در حضرت علی به نسبت سایر خلفا نمی بیند آنجا که برای اثبات این موضوع شان نزول آیه صادقین را در خصوص حضرت علی می داند و به استناد منابع اهل تسنن از جمله حاکم حسکانی (۱۴۱۱ق) این موضوع را اثبات می نماید. وی بیان می کند که صادقین در واقع و نفس الامر، یا صادقین معلوم الصدق به اختلاف قولین در وضع الفاظ. در هر صورت علم به صدق یا طریق نفس الامر است یا خود نفس الامر. آن وقتی حاصل می شود که آن شخص معصوم باشد. و لیس غیر علی معصوما؛ به اتفاق طرفین. عصمت او بزرگوار را بیان کردیم. پس او بزرگوار صادق هستند. و واجب است بودن با او بزرگوار؛ و تبعه خلفاء ثلاث با او بزرگوار نیستند. پس بعد از رسول که معصوم و صادق است، اطاعت و بودن با او بزرگوار واجب شد. قصد نداریم به خلافت و امامت مگر این معنی را.

۱۰- حاکم اسلامی می تواند دارای وصایت و ولایت عامه و خاصه باشد (عساکر، ۱۳۴۸ش) :

وی در این خصوص می گوید آنچه در نبی معتبر است در امام هم معتبر است، جز اینکه وحی به امام نمی شود، زیرا که امامت نیابت است و نیابت مقتضی است که آنچه در منصوب عنه باشد در نایب نیز باشد؛ مگر آنچه به دلیل ثابت شود عدم اعتبار آن، مثل نزول جبرئیل. منها آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...»، چه، نه حدیث از طرق برادران دارد که «فی علی» یا «بأنّ علیاً مولی للمؤمنین» مندرج در آیه بوده و حذف شده و این معنی اگر نیز نشان از وصایت مطلقه و ولایت عامه بود

۱۱- حاکم اسلامی باید از سبقت گیرندگان در طاعات و رسیدن به بهشت باشد و در نهان و آشکار مالهای خودش را در راه خدا نفقه کند (صنعانی، ۱۴۰۳ق) :

در این خصوص می گوید ثامن از ادله خلافت بلافصل علی علیه السلام آیه شریفه است، «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، اولئك الْمُقَرَّبُونَ» یعنی سبقت گیرندگان به طاعات، سبقت گیرندگان به جنات اند. منها آیه شریفه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً...» چه، این آیه در حق علی علیه السلام نازل شده هنگامی که چهار درهم تصدق کرد، یا باری خرما بر اصحاب صفه، به دوازده حدیث از طرق برادران و تصدیق اعیان از علماءشان. معنی آیه این است که کسانی که نفقه می کنند مالهای خود را در راه خدا در شب و روز، نهان و آشکار، اجر ایشان بر خدا است تا آخر. مجملاً وضع رساله اقتضای تفضیل زیاد بر این ندارد.

۱۲- وجود حاکم اسلامی به استناد میان جوهره نبوت و امامت از ضروریات است (معارفی، ۱۴۱۶ق) :

از ادله خلافت بلافصل علی علیه السلام این است که میانه حقیقت و جوهره نبوت و حقیقت و جوهره امامت و خلافت، کمال مناسبت است، یعنی امامت مندرج است در نبوت؛ از این جهت است که در حق ابراهیم خلیل می فرماید خداوند عالم، «إِنَّ حَامِلَكَ لِلنَّاسِ أَمَامًا» و به این سبب است که امام صوت ملک می شنود همچون نبی صلی الله علیه و آله و در طریق سیر الی الله اولاً باید به مقام امامت رسید تا قابل پوشیدن جامه نبوت گردید..

۱۳- حاکم اسلامی نباید به حریم ائمه اطهار ورود کند یا آنها را تهدید یا تخویف نماید :

وی این موضوع را در جایی بیان می کند که جناب صدیق و فاروق به فدک دست زده و درب منزل حضرت زهرا (س) را شکستند (قتیه الدینوری، ۱۴۱۰ق) و می گوید از مطاعن و قبایح اعمال صادره از ابی بکر است اینکه قصد کرد احراق بیت فاطمه را که علی و حسنین و جمعی از بنی هاشم در آن بودند، و ایشان را تهدید و تخویف کردند که یا بیرون آید و بیعت کنید و یا خانه را بر شما بسوزانیم با آنچه در آن است. شمشیر زبیر را شکستند و او را و علی را به عنف و قهر عمر و خالد به نزد ابوبکر آوردند.

۱۴- حاکم اسلامی می بایست تا قبل از رسیدن به این مقام جزئی اموری از امور مسلمانان به وی تفویض شده و در این خصوص موفق باشد :

وی این موضوع را در جایی بیان می کند که در مطاعن جناب صدیق بیان می دارد که اگر ایشان از مسئولیت پذیری و کردانی برخوردار می بود پیامبر در زمان حیاتش گوشه ای از امور مسلمین را به وی واگذار می کرد(شامی، ۱۴۱۴ ق) و در جایی می گوید از چیزهایی که طعن است بر ابوبکر و دلیل است بر عدم استحقاق او رتبه خلافت و ریاست عامه راه این است که هرگز جزیی امری را از امور به او مفوض نفرمودند رسول صلی الله علیه و آله؛ و با اینکه خیلی شوق داشتند که کسانی پیدا شوند که به امر او بزرگوار متصدی و کارگزار باشند. پس معلوم است که آن قابلیت در وجود ابی بکر نبود.

۱۵- حاکم اسلامی حداقل می بایست بر احکام میراث کلاله کاملاً مسلط باشد نه اینکه از این موضوع هیچ نداند :

وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که در روایات آمده که ابوبکر و عمر معنای کلاله را تا آخر عمر درک نکردند(دارمی، ۱۴۲۱ ق) و می گوید از چیزهایی که طعن می زند در خلافت ابی بکر این است که میراث کلاله را ندانست. خلیفه رسول که باید جمیع مایحتاج الیه امت از مسائل در نزد او باشد نشاید که نادان به چنین مسئله باشد که عموم ابتلا به آن هست.

۱۶- حاکم اسلامی می بایست فقیه یا مجتهد در شرع باشد تا باعث گمراهی امت نگردد.

وی این موضوع را در جایی بیان می کند که جناب عثمان به بدعتهایی در اسلام دست زد که در حقیقت سبب ایجاد انحراف در دین شد.

۱۷- حاکم اسلامی می بایست مشهور به عدالت و انصاف باشد :

در بحثهای مربوط به نبوت و امامت این نکته به اثبات رسیده که پیامبر و امام ، باید از مقام ((عصمت)) برخوردار باشند. از آنجا که در زمان غیبت امام دسترسی به ((معصوم)) ممکن نیست، حکومت اسلامی باید به شخصی واگذار شود که در درجه پائین تر از مقام عصمت کبرای معصومین (ع) از بالاترین مرتبه صیانت نفس، مخالفت هوا و پیروی از امر مولا برخوردار باشد و این همان شرط عدالت برای حاکم اسلامی است. آخوند هردنگی در این باره با زیر سوال بردن عدالت و انصاف ابوبکر و فاروق در مسئله تعیین خلیفه و گرفتن فدک، این موضوع را از شروط اصلی حاکم شرع می داند و در جایی می گوید از چیزهایی که دلالت می کند بر عدم بصیرت فاروق به احکام شرعیه، که در خلیفه معتبر است، این است که امر کرد به رجم مجنونه زانیه؛ و حکم کرد به رحم زنی حامله به سبب اعتراف او به زنا. ای اهل اسلام به چشم حقیقت نگاه کنید که کسی که چنین مسائلی را نداند و چنین حکمها کند چگونه لیاقت مقام خلافت دارد؟ اگر دانسته چنین حکمها می کرد، چگونه عدالتی است که در میان امت باید داشت؟

۱۸- حاکم اسلامی نباید بدعت گذار در دین باشد :

وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که جناب فاروق تغییر جزیه و برگزاری نماز تراویح و امثالهم را ترویج داد(ابوعبید، ۱۴۰۸ ق) و مثلاً می گوید صلوه تراویح را در رمضان بدعت کرد به جماعت، حال اینکه در زمان رسول صلی الله علیه و آله نبود؛ چنانچه بخاری و مسلم و صاحب جامع الاصول روایت کرده و حدیث منتهی است به عایشه. و جزیه را از آنچه

در زمان رسول بود تغییر داد. زیاد کرد در اذان «الصلوة خيرٌ مِنَ النَّومِ» را چنانچه در جامع الاصول است. از جمله مطاعن فاروق این است که منع کرد متعین را، که متعه نساء و متعه حج باشد.

۱۹- حاکم اسلامی نباید به بیت المال چشم داشته باشد :

حاکم اسلامی در افراط، تفریط و اسراف شهره گردد و یا بیت المال را به سمت آشنایان سوق دهد. وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که بخصوص در زمان عثمان اطرافیان خلیفه و به ویژه افراد خاندان اموی از اموال بیت المال ثروتمند شدند و همین امر سبب اعتراض مسلمانان شد. به عنوان مثال می گوید : از آنها است اینکه عثمان مال بیت المال را به اقوام و اقارب خود می داد. حتی اینکه به چهار نفر از قریش که چهار دختر خود را به اوها داد چهارصد هزار دینار داد. و ضعفاء مسلمین را محروم می کرد.

۲۰- حاکم اسلامی نباید در امور مسلمین کسی را کارگزار کند که به فسق، تهجر، فساد و شرب خمر مشهور باشد :

وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که «ولید بن عقبه» که خداوند به صراحت او را فاسق و تبهکار خوانده بود (شرح نزول آیه ۶ حجرات) به فرمانداری کوفه گماشته شد (بلاذری، ۱۴۱۷ ق) و می گوید از آن جمله : والی کرد بر مسلمین که فساد کردند در امور مسلمین، و متجاهر بودند به فسق و شرب خمر، چون ولید بن عقبه، و سعید بن العاص و معاویه بن ابی سفیان.

۲۱- حاکم اسلامی باید شجاع در جهاد باشد :

نه که در این خصوص غیبت داشته و از جبهه بگریزد وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که عدم حضور عثمان در جنگ احد و سرکشی ابوبکر با جناب فاروق در همراهی نکردن با اسامه را از نواقص آنها می شمرد (بلعمی، ۱۳۷۳ ش) و برای عثمان می گوید از همه اینها بالاتر فرار از زحف است در احد، که عثمان گریخت. غایب بودن از بدر، که فخر اصحاب به آن است. کذا غایب بودن از بیعت رضوان که رضای خدا در حق او نیست.

۲۲- حاکم اسلامی باید در تمام عمر خود مسلمان و خادم به اسلام بوده باشد :

نه اینکه مدتی از عمر خود را در کفران گذاشته باشد وی این موضوع را در جایی بیان می دارد که در رد سه خلیفه اول، یکی از نواقص آنها در برابر حضرت علی (ع)، زندگی مدتی از عمرشان را در جهالت و کفر و عناد با اسلام می داند و می گوید : طعنی که در همه خلفاء ثلاث جاری است این است که مدت مدید از عمر خود را در کفر گذرانیدند و بت پرستیدند. مشرک و کافر ظالم است به قول خدای تعالی: «... و الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»، و ظالم شایسته خلافت نیست.

۲۳- حاکم اسلامی نباید با صریح کلام خداوند مخالفت کرده یا در آنها شک کند :

وی ضمن برشمردن این موضوع که از اهم مسائل حاکم شرع عدم مخالفت با احکام الهی و شک نکردن در آنهاست و می گوید از اموری که طعن در خلافت ابی بکر می نماید این است که مخالفت با صریح کلام خداوند کرد در آیه ارث «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي

أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ...» و ادعا کرد که نبی فرموده: «الْحَقُّ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا تُورَثُ» و این سخن را اگر نسبت به خاتم انبیا می‌گفت، بلکه کسانی که بعد از زمان او بودند قبول می‌کردند، نسبت به کل انبیاء داد و خدا او را متفطن به این دقیقه نفرمود تا عاقل بفهمد که دروغ است و باز بیان می‌دارد از چیزهایی که دلالت می‌کند بر عدم قابلیت فاروق برای منصب خلافت، شک او است در موت نبی صلی الله علیه و آله. حتی اینکه صدیق او را منبه شد که خدا می‌گوید: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» یعنی تو خواهی مرد و ایشان هم خواهند مرد «... أَوْ قَاتِلَ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ...». بعد گفت: گویا من نشنیده‌ام این آیه را. کسی که تدبیر او این قدر باشد که ضروریات عادیه و شرعیه را شک شود، چگونه نظام کل امت را به کفایت او واگذار می‌توان کرد؟

نتیجه گیری :

نتیجه کلی که از این بحث به دست می‌آید این که از دیدگاه ملا محمد حسن هردنگی بهترین حاکم امام معصوم علیه السلام است که ویژگی‌های او از طریق خدا برای او پدید آمده و با ارتباط دائم با آن منبع، به بهترین وجه می‌تواند به اداره حکومت اقدام نماید. ولی در زمان غیبت امام علیه السلام فردی می‌تواند جانشین او در این منصب گردد که بیشترین ویژگی‌های معصوم در او تجلی عملی یافته باشد. از قبیل ایمان و تقوا، مردمی بودن، مدیر خوب بودن، عادل و معتدل بودن، زیرک، عالم و متخصص بودن و در نهایت دارای تجربه و حسن شهرت مذهبی و سیاسی بودن. هر چند ملا محمد حسن هردنگی در کتاب تاملات کلامیه به استناد آیات، روایات، نهج البلاغه، کتب اهل تسنن و قرآن به اثبات خلافت بلا فصل حضرت علی(ع) در برابر خلفاء ثلاث می‌پردازد، ولی مجموعه ویژگیهای بیان شده برای حضرت علی(ع) در برابر خلفاء معیارهایی دقیق و متقن برای انتخاب حاکم اسلامی است. مجموع این ویژگیها، از دید ملا محمد حسن هردنگی عمده ترین صفات برای حاکم است گرچه شاید بتوان ویژگی‌های دیگری از میان مجموعه مباحث و نوشتار ایشان به آنها افزود ولی به دلیل محدودیت مبحث، بیش از این، مجال گسترش آن نبوده است.

منابع :

- ابوعبید، قاسم بن سلام، ۱۴۰۸ ق، کتاب الاموال، ج ۱، چاپ محمد خلیل هراس، بیروت، ص ۴۹-۵۰
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۴۱۷ ق، انساب الشرف، ج ۵، بیروت، لبنان، ص ۵۱۴-۵۱۵
- بلعمی، محمد بن محمد، ۱۳۷۳ ش، تاریخ طبری، مصحح محمد روشن، ناشر تهران، البرز، ج ۳، ص ۱۲
- بیضاوی، ابوالخیر، عبدالله بن عمر بن محمد علی، ۱۴۰۹ ق، تفسیر انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۲، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۳۲.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۴۱۹ ق، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج ۶، ص ۲۲۳.

- تفتازانی، مسعود بن عمر، ۱۴۰۹ ق، شرح المقاصد، ج ۵، محقق عبدالرحمن عمیره، قم، انتشارات رضی، ۱۴۰۹ ق
- حسکانی، عبید الله بن احمد، ۱۴۱۱ ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ج ۱ ص ۳۴۲.
- جلیلی، حمیده و غوث کمال، ۱۳۹۹، تحقیقی بر شناسایی حاکمیت‌های شرع در قهستان (خراسان جنوبی فعلی) از سال ۱۲۸۴ قمری تا ۱۳۶۶ قمری، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۲۳، ص ۱۶-۵۰.
- جلیلی، ح و غوث، ک، ۱۳۹۸، بررسی جایگاه عرفانی آیت ا. محمد حسن هردنگی در مبحث فکر بر اساس سروده فکر کن تا فکر تو ذکر آورد صد هزاران نکته بکر آورد، ماهنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، پیاپی ۲۰ (دی ۱۳۹۸): ۲۸-۳۷.
- دارمی، ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن بن فضل بن بهرام، ۱۴۲۱ ق، سنن الدارمی، دارالمغنی، ریاض، ج ۲، ص ۳۶۵.
- راشد، محمد تقی، ۱۳۴۲، بحث درباره آثار شش تن از علمای قهستان، پایان نامه دوره کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۱۰-۱۲۵.
- راشد، محمد رضا، ۱۳۳۶، معرفی آخوند ملا محمدحسن هردنگی، روزنامه آفتاب شرق، دوم آبان ماه
- راشد، محمد تقی، ۱۳۹۲، معرفی یک عقدنامه، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال نهم، ش اول، پیاپی ۹۹ زمستان: ۲۰۲-۱۹۹.
- شامی، محمد بن یوسف الصالحی، ۱۴۱۴ ق، سبل الهدی و الرشاد فی سره خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ج ۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۲۴.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، ۱۴۰۳ ق، مصنف عبدالرزاق، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت، المکتب السلامی، ج ۱۱، ص ۲۲۶
- عساکر، علی بن حسن بن، ۱۳۴۸ ش، طرق حدیث الغدیر، گردآوری و تحقیق: تقدیمی معصومی، قم، دلیل ما، ص ۱۹.
- علیزاده بیرجندی، زهرا، ۱۳۹۱، عالمان دین در خراسان جنوبی. تهران: فکر بکر
- علیزاده بیرجندی، زهرا و سمیرا عباسلو و محمدحسن الهی زاده، ۱۳۹۲، جایگاه اجوبه های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، تابستان - شماره ۲۸ علمی- ترویجی: ۲۹-۵۲.
- غوث، کمال، ۱۳۹۱، گنجنامه ناحیه هردنگ، تهران، فکر و بکر.
- غوث، کمال، ۱۳۹۷، آیت الله محمدحسن هردنگی (احیاء کنندة موقوفات و بقاع متبرکه)، تهران، فکر و بکر، به سفارش اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی.
- قتیه الدینوری، ابو محمد عبدا... بن مسلم ابن، ۱۴۱۰ ق، الامامه و السیاسه المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۱ تحقیق علی شیری، بیروت، دارالرضاء، ص ۲۱ و ۳۱.

معارفی، عبدالملک بن هشام الحمیری، ۱۴۱۶ ق، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عیدالحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۱۰۰.

ناصری، اکرم، ۱۳۸۸، جایگاه مضامین عرفانی در کتاب تأملات کلامیه ملامحمدحسن هردنگی، دوره ۱۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۵۳، صفحه ۱۲۵-۱۴۱.

نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، ۱۴۱۶ ق، تفسیر غرایب القرآن و رغایب الفرقان، ج ۲، ص ۶۰۵.

ولوی، علی محمد، ۱۳۹۶. تصحیح، تحشیه و تشریح (هردنگی، محمدحسن، ۱۳۰۲ قمری، تأملات کلامیه)، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول.